

پرواز در ظلمت



- زندگی سیاسی شاپور بختیار
- حمید شوکت
- نشر اختران
- ۴۴۸ صفحه
- ۱۸۰ هزار تومان

زندگی و احوال سیاسی شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر دوره پهلوی در هاله‌ای از ابهام و پیچیدگی بوده و هست. کتاب «پرواز در ظلمت؛ زندگی سیاسی شاپور بختیار» یکی از بهترین منابعی است که تاکنون درباره زندگی بختیار نوشته شده است. شوکت در این کتاب از میان اسناد و مدارک، شواهد و قرائن و هرآنچه پیرامون زندگی بختیار تاکنون در دسترس قرار گرفته، متنی مدون، جامع و قابل استناد را ارائه داده است.

اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران



- حبیب لاجوردی
- ترجمه ضیاء صدقی
- نشر نو
- ۴۷۷ صفحه
- ۱۸۰ هزار تومان

حبیب لاجوردی که مهم‌ترین کارش پایه‌گذاری و مدیریت پروژه تاریخ شفاهی ایران در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد است و سوم مرداد امسال درگذشت، در کتاب «اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران» فراز و نشیب توسعه سیاسی ایران را از راه پیدایش اتحادیه‌های کارگری مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد نویسنده اتحادیه‌های کارگری ابزار مناسبی برای سنجش توسعه سیاسی به‌شمار می‌آید.

کارگران و انقلاب ۵۷



- آصف بیات
- ترجمه محمد دارکش
- نشر اختران
- ۲۲۳ صفحه
- ۵۸ هزار تومان

آصف بیات، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایلینوی و متخصص جنبش‌های اجتماعی، در این کتاب که رساله دکتری او بوده، روایتی از نقش کارگران در انقلاب ۵۷ ارائه می‌دهد و تمرکزش بر شوراهای کارگری در کارخانه‌های بزرگ کشور است. بیات نشان می‌دهد چگونه کارگران کشور با اعتصابات گسترده خود چرخ اقتصادی رژیم شاه را متوقف کردند و از این طریق در پیروزی انقلاب سهیم شدند.

چریک‌های پشیمان

بهمن تقی‌زاده در نگاهی از درون به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران؛ تاریخچه گروه منشعب داستان یک انشعاب ناگفته را روایت کرده است

سینا مهدوی روزنامه‌نگار

این انشعاب خودداری کرده و می‌نویسد آگاهی تاریخی چندانی درباره این گروه انشعابی ندارد!

تقی‌زاده درباره بی‌اطلاعی، نادیده گرفتن و اطلاعات ناقص و غلط راجع به این انشعاب می‌نویسد: «تمامی کسانی که یا با پیشینه چریک فدایی یا بدون آن، به دلیلی به تاریخ سازمان پرداخته‌اند، هر چند به‌ظاهر از روی بی‌اطلاعی، یا «گروه منشعب از سازمان چریک‌های فدایی خلق» را به‌کلی نادیده گرفته‌اند یا کمیت آن را کمتر از واقع اعلام کرده‌اند یا آن را در انشعاب مقصر جلوه داده‌اند یا در اعلام انشعاب عجول دانسته‌اند، یا انشعاب را ناشی از «ضربات و فشارها»ی رژیم یا منشعبین را مترصد «پذیرش مشی حزب توده» اعلام کرده‌اند، اما هیچ‌یک به تحولات فکری که به پیدایش آن منجر شد و جزیی ناگسستنی از تاریخ تحولات سازمان چریک‌های فدایی خلق است، نپرداخته‌اند.»

تقی‌زاده نوشتن تاریخچه گروه منشعب از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران را به دو دلیل عمده دشوار می‌داند: «نخست به این دلیل که با تاریخچه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران پیوند ناگسستنی دارد. سازمانی مخفی که در شرایطی بسیار دشوار زیر شدیدترین تدابیر امنیتی فعالیت می‌کرد، زندگی مخفی و مسلحانه داشت و علناً به دشمنی اعلان جنگ مسلحانه داده بود که از همه امکانات سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی پشتیبانان آمریکایی و اسرائیلی و غربی‌اش استفاده می‌کرد... دشواری دیگر این بود که رفقای سازمان از هنگام شکل‌گیری نظریات انتقادی تورج حیدری بی‌گوند در داخل سازمان تا وقوع انشعاب و پس از آن، طبق رویه نوشته‌ای نظریات اعضای گروه و ریشه‌های آن‌ها و پیوندهای آن‌ها با سازمان و دلایل شکل‌گیری را نادیده گرفتند، انکار کردند یا درباره آن سکوت اختیار کردند. آن‌ها توجه نکردند که تاریخ سازمان چریک‌های فدایی خلق بدون تاریخ گروه بزرگی از کادرهای آن ناقص است و تاریخی که بخش مهمی از موضوع تحقیق خود را حذف می‌کند تاریخ نیست.»

عدد واحد و دقیقی از اعضای گروه منشعب در دست نیست. مازیار بهروز تعداد آنان را «از ده نفر کمتر» ذکر کرده است اما بهمن تقی‌زاده نام بیست نفر را در کتاب فهرست کرده و در پیوستی سابقه آن‌ها را مختصراً نوشته است. به اعتقاد تقی‌زاده گروه منشعب را تنها یک فرد و یک کتاب تشکیل نمی‌داد: «شش تن از اعضای آن پیش‌تر زندانی سیاسی بودند و پس از اتمام دوره زندان با عزمی راسخ‌تر برای نبرد مرگ و زندگی به صفوف سازمان پیوسته و مخفی شده بودند. آن‌ها در محیط تحصیل یا کار خود فعالیت و محبوبیت بسیار داشتند. آن‌ها شاخص طرفداران سازمان در زندان و محیط تحصیل خود بودند و به تبعیت آن‌ها بسیاری افراد به سمت فعالیت در سازمان یا به هواداری از سازمان جلب شدند. افرادی نظیر تورج حیدری بی‌گوند، فریبرز صالحی، حسین قلمبر و فرزند دادگر در دانشگاه صنعتی آریامهر، ابوالحسن خلیط در دانشکده فنی دانشگاه تهران و سپس در سیمان آبیک و حسین پرورش نیز در دانشگاه صنعتی آریامهر و سپس در سیمان آبیک از سرشناسان فعالیت صنفی و طرفداران مشی سازمان بودند. هشت نفر، یا یک‌سوم کل دانش‌جویان دانشگاه صنعتی آریامهر که از این دانشگاه به سازمان پیوستند و در صفوف سازمان مخفی شدند، بعدها عضو «گروه منشعب» شدند.»

پیش‌زمینه‌های انشعاب

تورج حیدری بی‌گوند تقریباً از اوایل سال ۱۳۵۴ رسماً به‌سازمان چریک‌های فدایی پیوست، مخفی شد و به‌داخل خانه‌های تیمی رفت. او در آن هنگام حدود ۲۲ سال داشت. تازه به‌سازمان پیوسته بود و جایگاه و موقعیتش نسبت به‌چهره‌های قدیمی سازمان، مثل حمید اشرف، حمید مؤمنی و یا بیژن جزنی، قابل مقایسه نبود! اما همین جوانی و نوجویی بود که او را خیلی زود به تجدیدنظر جدی در مشی سازمان واداشت. مشخص است که تورج از همان بدو ورود به‌خانه‌های تیمی، با مشاهده مشکلات داخلی سازمان و وضعیت عجیب و غریب خانه‌های تیمی، درباره که راه و مسیر سازمان، یعنی تأکید بر مبارزه مسلحانه و قهرآمیز، به‌ترکستان